

تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بهار)

کریم نادری مهدیی^{*۱}، حمید محمودیان^۲، حشمت اله سعدی^۳

تاریخ دریافت: ۲۵ خرداد ۹۳ تاریخ پذیرش: ۱۵ بهمن ۹۳

چکیده

تحقیقات مختلف تأثیر مثبت استقرار صنایع در روستاها را بر بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی نشان داده و آن را موجب توسعه مناطق روستایی و توسعه ملی عنوان می‌کنند. هدف از مطالعه حاضر بررسی تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی روستاهای شهرستان بهار بود. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری، خانوارهای ساکن در روستاهای شهرستان بهار از استان همدان بود. جهت بررسی اثرات استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی تعداد ۱۰ روستا (پنج روستا دارای صنایع تبدیلی و پنج روستا فاقد صنایع تبدیلی) به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای با در نظر گرفتن نسبت خانوار در هر روستا بود و تعداد نمونه‌ها توسط فرمول کوکران بدست آمد ($N=3249$ و $n=353$). روایی و پایایی پرسشنامه نیز به ترتیب توسط اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی و با محاسبه آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/899$) تایید شد. نتایج بدست آمده حاکیست استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در روستاها تأثیر مثبت بر وضعیت امکانات رفاهی داشته است؛ همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که صنایع تبدیلی کشاورزی منجر به تفاوت معنی‌دار کیفیت زندگی در بین دو گروه روستاها شده است، به طوری که سطح کیفیت زندگی در روستاهای دارای صنایع تبدیلی بالاتر بود. نتایج تحقیق نشان داد استقرار صنایع تبدیلی در روستا منجر به رونق بخش کشاورزی و تولید محصولات مشابه صنایع تبدیلی توسط اهالی روستا شده و همین امر، باعث بهبود وضعیت درآمد آن‌ها شده است.

واژه‌های کلیدی: درآمد، صنعتی شدن روستا، صنایع تبدیلی، کیفیت زندگی

۱- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲- کارشناس ارشد رشته توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۳- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

*- نویسنده مسئول: (knaderima@gmail.com)

مقدمه

امروزه توسعه روستایی یکی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، خصوصاً در کشورهای جهان سوم به شمار می‌رود. وجود منابع سرمایه‌گذاری در شهرها، جاذبه‌های شهری، تفاوت شدید بین تقاضای نیروی کار در بین شهر و روستا، و عدم جذب نیروی انسانی در روستاها سبب شده است تا شهرها تبدیل به قطب‌های توسعه شوند و دوگانگی شدیدی بین سطوح درآمد، آموزش، رفاه، اشتغال و غیره بین شهر و روستا به وجود بیاید (امین آقایی، ۱۳۸۷). صنایع روستایی از یکسو به واسطه‌ی نقش و جایگاه انکار ناپذیرشان در ایجاد اشتغال مفید و مؤثر در نواحی روستایی و از سوی دیگر به دلیل پیوند تنگاتنگ با بخش کشاورزی و خدمات نه تنها نقش بسزایی در توسعه‌ی روستایی در مقیاس محلی دارند، بلکه در مقیاس کلان و از تولید ملی نیز می‌تواند سهم قابل قبولی را نصیب نواحی روستایی بسازد (حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵) چراکه صنایع روستایی یک شرط ضروری و اساسی برای توسعه ملی به حساب می‌آید (عسگری و همکاران، ۱۳۸۳ و حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵) رززون و آریف^۱ (۲۰۰۹) نیز صنعتی شدن روستا را بواسطه افزایش تولید و بهره‌وری، فراهم کردن فرصت‌های اشتغال، رضایت از نیازهای اساسی و پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی دارای سهم عمده‌ای در توسعه روستایی عنوان می‌کنند.

دیدگاه صنعتی‌کردن معتقد است که گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی و متنوع‌سازی اقتصاد روستایی می‌تواند نه تنها عاملی مهم در ارتقای ارزش افزوده بخش کشاورزی باشد بلکه با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادل‌تر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی (نصیری، ۱۳۸۸) افزایش رفاه، تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده‌های فقیر روستایی شده (مطیعی لنگرودی و اردشیری، ۱۳۸۶) و نهایتاً نقش مهمی در توسعه مناطق روستایی را نیز به دنبال داشته باشد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). یکی از مهمترین صنایع روستایی، صنایع تبدیلی کشاورزی است. بدون شک ایجاد صنایع تبدیلی یکی از سودمندترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است. تجارب سه دهه گذشته کشورهای آسیایی به ویژه چین، هندوستان و کره جنوبی نشان می‌دهد که صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، نقش اساسی در فرآیند توسعه روستایی این کشورها به عهده داشته است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹) بطوریکه در هند، فرآوری کشاورزی به عنوان یک پتانسیل عظیم جهت رشد اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته شده است (کاچرو^۲، ۲۰۱۱).

به‌طور کلی نظریه‌ها و دیدگاه‌های صنعتی شدن روستا را می‌توان از دو منظر مورد بحث و بررسی قرار داد: الف) ایجاد و استقرار صنعت در روستا: این دیدگاه به یک روش برنامه‌ای منجر می‌شود و بر این امر تأکید می‌کند که با توجه به عوامل تولید و وضعیت بازار چه صناعی می‌توانند در مناطق روستایی استقرار یابند یا توزیع شوند. هر صنعتی که بتواند در مناطق روستایی استقرار یابد صرف نظر از چگونگی تاثیر آن بر روستائیان جزئی از برنامه استقرار صنعت در مناطق روستایی است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۰). بر اساس این دیدگاه سه الگو برای کمک به صنعتی شدن مناطق

1- Redzuan and Aref

2- Kachru

روستایی وجود دارد (رضوانی، ۱۳۹۰):

- احداث کارخانه های بزرگ در نزدیکی روستاها که مواد مورد نیاز خود را از محصولات کشاورزی روستایی در منطقه تامین می کنند.

- حفاظت و تشویق صنایع دستی و محصولات صنعت گران محلی و

- تشویق به ایجاد واحدهای کوچکی که محصولات کشاورزی را فرآوری نموده و یا برخی از ماشین آلات و نهادهای کشاورزی را تعمیر و یا تولید می کنند.

ب) صنعتی سازی روستا: در این دیدگاه مسئله صنعتی سازی روستا هم یک فرایند فرعی و هم وسیله ای برای متنوع کردن اقتصاد روستا تلقی می شود. انعطاف پذیری راهبردهایی که بر اساس نیازهای توسعه جهت داده می شوند نشانه های بارز این دیدگاه هستند. بیشتر کشورهای در حال رشد به منظور استقرار صنعت در مناطق روستایی سه نوع برنامه تدوین کرده اند که به قرار زیر است:

- تأسیس کارخانه های بزرگی که مواد اولیه آن ها را محصولات کشاورزی حجیم و فاسد شدنی تشکیل می دهند، مانند کارخانجات قند و شکر، کنسرو میوه و غیره؛

- حفاظت و پیش برد صنایع دستی و محصولات و صنعت گران محلی؛ و

- تشویق واحدهای کوچکی که محصولات کشاورزی را فرآوری کرده یا انواع نهادهای کشاورزی را فراهم می کنند (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰).

این دیدگاه به صنعتی شدن مناطق روستایی به عنوان وسیله ای برای نیل به توسعه اقتصادی-اجتماعی در این مناطق توجه داشته و صنایع روستایی را ابزاری برای تأمین نیازهای جامعه در نظر می گیرد (رضوانی، ۱۳۹۰). هیویت و همکاران (۱۳۷۷) نیز صنعتی شدن را از طریق دو دیدگاه نظری که در طول سه دهه گذشته بر مطالعات توسعه مسلط بوده اند بررسی می کند:

* ساختارگرایی که با سیاست های حمایت گرایانه تر برای به بار آوردن رشد صنعتی پیوند خورده است؛

* نولیبرالیسم که با سیاست هایی که بیشتر به طرف بازار جهت داده شده اند پیوند خورده است.

اصطلاح ساختارگرا یا ساختارگرایی اولین بار در نظریه های توسعه توسط گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی در کمیسیون اقتصادی ملل برای آمریکای لاتین مورد استفاده قرار گرفت. دادلی سیرز^۱ را باید مهم ترین طرفدار مکتب ساختارگرا قلمداد نمود که معتقد بود اقتصاد مسلط یا راست آئین فقط می تواند به عنوان یک نظریه خاص و به گروه کوچکی از کشور های صنعتی پیشرفته مربوط شود. ساختارگرایان معتقدند که دولت باید در تعیین ساختار بخش صنعت نقشی تعیین کننده داشته باشد (طاهرخانی، ۱۳۷۹). این دیدگاه در مجموع این اصول کلی را تبیین می کند:

* عدم موفقیت عامل نیروی بازار در ایجاد توسعه اقتصادی؛

* توسعه اقتصادی و صنعتی با وجه غالب کشاورزی؛

* افزایش سرمایه‌گذاری به منظور رشد اقتصادی (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰).

نولیبرالیسم، با سیاست‌هایی که بیشتر به طرف بازار جهت داده شده‌اند پیوند خورده است. نولیبرالیسم‌ها معتقد بودند که اگر بازار را کنترل نکنیم و به حال خود بگذاریم، حصول به توسعه اقتصادی سریع تر مهیا می‌شود. لذا آنان به ادغام در بازارهای جهانی از طریق اتخاذ سیاست‌های صادرات تأکید دارند (طاهرخانی، ۱۳۷۹).

همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد، یکی از انواع صنایع، صنایع تبدیلی کشاورزی است. صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی صناعی هستند که دارای ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم با بخش کشاورزی می‌باشند. طبق تعریف مصوب در کمیسیون اقتصادی هیئت دولت، صنایع تبدیلی و تکمیلی به صناعی اطلاق می‌گردد که به فرآوری و عمل‌آوری مواد نباتی و حیوانی (زراعی، باغی، شیلاتی، دام و طیور، جنگل و مرتع) می‌پردازد (مطیعی لنگرودی و اردشیری، ۱۳۸۶ و نوری و نیلی پور طباطبایی، ۱۳۸۶)، فرآوری دربرگیرنده‌ی تغییر شکل و حفاظت از طریق تغییرات فیزیکی و شیمیایی، ذخیره سازی، بسته‌بندی و توزیع است (مدهوشی و نصیری، ۱۳۸۹). بطوریکه این صنعت شامل همه عملیات از مرحله برداشت تا رسیدن مواد به مصرف‌کنندگان نهایی در شکل، بسته‌بندی، کمیت، کیفیت و قیمت مطلوب می‌باشد (مهتا، ۲۰۱۲) در تعریف دیگر، صنعت فرآوری کشاورزی، ابزار تغییر شکل دادن محصولات اصلی کشاورزی، جنگلی و شیلات است (فانو، ۲۰۱۱).

حال با توجه به اینکه استقرار صنایع روستایی و بخصوص صنایع تبدیلی کشاورزی در روستاها، مزایای مختلف اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد و نظر به اینکه تعداد قابل توجهی واحد صنایع تبدیلی کشاورزی در محدوده استان همدان استقرار پیدا کرده است، لزوم پرداختن به این موضوع ضروری به نظر می‌رسد. طبق آمار وزارت جهاد کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی استان همدان، ۶۵۷۸ واحد صنایع تبدیلی در سطح کشور وجود دارد که از این میان ۱۴۹ واحد آن در سطح استان همدان و ۱۵ واحد در شهرستان بهار مشغول به فعالیت هستند (جهاد کشاورزی استان همدان، ۱۳۹۲). از این‌رو این تحقیق درصدد بررسی اثرات صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی اهالی روستاهای محدوده شهرستان بهار (یکی از شهرستان‌های استان همدان) می‌باشد.

رضایی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان امکان‌سنجی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی فرآورده‌های دامی در استان ایلام، به این نتیجه رسیده است که استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌تواند نقش بسیار مهمی در کاهش محرومیت، بیکاری، مهاجرت و افزایش روند توسعه اشتغال داشته باشد. طاهرخانی (۱۳۸۶) طی تحقیقی با عنوان کاربرد تکنیک تاپسیس ۳ در اولویت بندی مکانی استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در مناطق روستایی به این نتیجه رسیده است که صنایع تبدیلی بخش کشاورزی در نواحی روستایی قادرند تولیدات روستایی، بهره‌وری، دسترسی به شغل و مناسبات بین بخشی را افزایش داده و عدم توازن منطقه‌ای را کاهش دهند. مطیعی لنگرودی و اردشیری (۱۳۸۶) طی پژوهشی با عنوان پیامدهای ایجاد

صنایع فرآوری محصولات کشاورزی در توسعه روستایی بخش مرکزی آمل، به این نتیجه رسیدند که بخشی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی مانند: نبود اشتغال کافی، بیکاری پنهان، پایین بودن سرانه زمین کشاورزی، پایین بودن درآمد و ماندن آن، با ایجاد صنایع فرآوری محصولات کشاورزی بهبود می‌یابند. نتایج تحقیق نصیری (۱۳۸۸) با عنوان استقرار واحدهای صنعتی عاملی تأثیر گذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی، که به روش مقایسه روستاهای فاقد صنایع با روستاهای دارای صنایع روستایی در روستاهای شهر بومهن انجام شده، نشان می‌دهد که پارامترهای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و پس انداز، افزایش هزینه و تغییر در الگوی مصرف خانوار (کالاهای مصرفی بادوام، پوشاک، خوراک، درمان و مسافرت)، کاهش متوسط سن افراد روستا، کاهش مهاجرت، رضایت و ثبات شغلی، مشارکت در امور روستا، استفاده از رسانه‌های جمعی (تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب)، سطح سواد، خدمات بیمه و کیفیت و مساحت مسکن روستایی در بین دو گروه روستاهای بررسی شده تفاوت معناداری وجود دارد. مهدوی و همکاران (۱۳۸۹) طی تحقیقی با عنوان امکان سنجی توسعه صنایع روستایی در شهرستان عجب شیر با مدل اس دلبلیو^۱، گزارش کرده‌اند که استقرار صنایع تبدیلی در روستا موجب ایجاد اشتغال، بهبود درآمد، کاهش هزینه‌های حمل و نقل به نقاط دوردست و به تبع آن کاهش روند مهاجرت شده است. تاج و دارآفرین (۱۳۹۰) طی مطالعه‌ای با عنوان تأثیر پذیری اقتصادی روستاها از نواحی صنعتی (مطالعه موردی: ناحیه صنعتی میامی، شهرستان شاهرود)، به این نتیجه رسیده‌اند که ناحیه صنعتی میامی سبب افزایش درآمد روستایی و ایجاد فرصت‌های اشتغال برای روستاییان شده است و بیشتر کارکنان را اهالی روستایی تشکیل می‌دهند. نتیجه پژوهشی که توسط زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان تحلیل پراکنش فضایی صنایع تبدیلی شهرستان‌های استان اصفهان با استفاده از روش پی‌آی‌دی‌آی^۲ انجام شده است نشان می‌دهد که صنایع تبدیلی موجب حفظ و نگهداری محصولات کشاورزی و مواد غذایی برای مدت طولانی و همچنین موجب اشتغال‌زایی و افزایش ارزش افزوده حاصل از صادرات می‌گردد. اکبری سقالکساری (۱۳۹۲) طی مطالعه‌ای با عنوان راه‌های گسترش و فعال‌سازی صنایع روستایی، به این نتیجه رسیده است که صنایع روستایی زمینه اشتغال را برای بخش عمده‌ای از نیروی کار آزاد شده از بخش کشاورزی را فراهم نموده است. نتایج مطالعه عزمی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان چالش‌ها و مشکلات بخش کشاورزی و نقش آن در مهاجرت از روستا به شهر (مطالعه موردی: دهستان شیرز شهرستان هرسین)، نشان می‌دهد که فقدان صنایع تبدیلی در کاهش درآمد روستاییان منطقه نقش اساسی دارد که همین امر منجر به افزایش مهاجرت به شهر شده است.

اسریواستوا^۳ (۱۹۸۹) طی پژوهشی با عنوان صنایع فرآوری کشاورزی، پتانسیل‌ها، محدودیت‌ها و تکلیف پیشرو، به این نتیجه رسیده است که صنایع کشاورزی پیوند مستحکم صنعت-کشاورزی را فراهم می‌کنند که این به تسریع توسعه کشاورزی بواسطه ایجاد پیوند پیشین (تدارک سرمایه، نهاده‌ها و دیگر خدمات افزایش تولید) و پیوند پسین (فرآوری و بازاریابی)، به افزایش ارزش تولید کشاورزی، به ایجاد فرصت‌های اشتغال و افزایش درآمد خالص کشاورزان کمک می‌کند.

1 -SWOT

2 -PIDI

3- Srivastava

ریزوانول^۱ (۱۹۹۴) طی تحقیقی با عنوان صنعتی کردن روستایی، موتور موفقیت در شکل‌دهی روستای چین، صنعتی شدن را به عنوان موتور محرک توسعه روستایی در چین دانسته و معتقد است با استقرار صنعت در مناطق روستایی، ضمن افزایش درآمد خانوارها، الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام به میزان قابل توجهی دچار تغییرات اساسی شده است. لی و همکاران^۲ (۲۰۰۰) در مقاله خود با عنوان نگهداری یا ریشه کنی صنایع، به این نتیجه رسیدند که صنایع روستایی می‌توانند در آینده به رشد اقتصاد ملی کمک کنند و این صنایع قادرند نقش اساسی در اشتغال روستایی چین داشته باشند. سوهاگ و همکاران^۳ (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان صنایع فرآوری کشاورزی در هاریانا به این نتیجه رسیده‌اند که صنعتی سازی روستا یک موضوع پایدار برای افزایش اشتغال در نواحی روستایی کشور است. نامبودری و همکاران^۴ (۲۰۰۳) طی مطالعه‌ای با عنوان رشد، ساختار و چشم انداز صنایع فرآوری کشاورزی در هند، به این نتیجه رسیدند که صنایع فرآوری کشاورزی یک جایگاه والا در بخش صنعت کشور هند دارد؛ همچنین صنایع فرآوری کشاورزی قدرت زیادی در ایجاد اشتغال دارند. چنج^۵ (۲۰۰۴) طی مطالعه‌ای بر روی صنایع فرآوری چوب در آسیا، به این نتیجه رسیده است که صنایع فرآوری غذا، می‌تواند باعث جبران احتیاجات غذایی، افزایش کیفیت زندگی، ارزش افزوده برای تولیدات کشاورزی، ایجاد اشتغال و رونق اقتصاد روستایی گردد. فاتاح^۶ (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان پتانسیل‌های صنایع کشاورزی برای بهبود رشد و تعادل در اندونزی، به این نتیجه رسیده است که خدمات صنایع کشاورزی پلی برای تغییرات اقتصادی، تولید اشتغال، حمایت از توسعه نواحی روستایی، جلوگیری از شهری شدن، بهبود درآمد فقرا و تأمین امنیت غذایی است و به کشاورزان خرد برای ادامه حیاتشان کمک می‌کند. واتاناب و همکاران^۷ (۲۰۰۹) در مقاله خود با عنوان آیا توسعه صنایع فرآوری کشاورزی به نفع فقر است به این نتیجه رسیده‌اند که صنعت فرآوری کشاورزی از دو جهت تولید درآمد و اشتغال برای زارعان مفید است: نخست از راه خرید محصولات کشاورزی توسط صنعت فرآوری کشاورزی و دوم اشتغال فقرا در کارخانه‌های صنایع فرآوری کشاورزی. شارما و همکاران^۸ (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که صنایع فرآوری کشاورزی می‌تواند موجب ارزش افزوده گردد که البته مقدار ارزش افزوده از محصولی به محصول دیگر و از صنعتی به صنعت دیگر فرق می‌کند. آوسو و همکاران^۹ (۲۰۱۱) طی مطالعه‌ای با عنوان کار غیر زراعی و امنیت غذایی در میان خانوار زارع شمال غنا، به این نتیجه دست یافتند که مشارکت در فعالیت‌های غیر زراعی، دارای اثرات مثبت بر درآمد، امنیت غذایی و تسکین فقر در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه است. مهتا^{۱۰} (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان صنایع فرآوری کشاورزی در یوتارپرادش^{۱۰} صنایع فرآوری کشاورزی را موجب افزایش فرصت‌های اشتغال، افزایش سطح درآمد،

1- Rizwanul
2- Li
3- Suhag
4- Namboodiri
5- Chang
6- Fatah
7- Watanabe
8- Sharma
9- Owusu
10- Uttar Pradesh

پایدار کردن معیشت روستاییان، غلبه بر چالش‌های فقر و بیکاری و در کل باعث توسعه روستایی عنوان می‌کند.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ انگاره تحقیق در قالب انگاره کمی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، غیرآزمایشی می‌باشد که در آن از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق، روستاهای شهرستان بهار (از شهرستان‌های استان همدان) می‌باشد. شهرستان بهار در شمال غرب همدان واقع شده و از شمال به شهرستان کیبودر- آهنگ از شرق به همدان، از جنوب به شهرستان‌های همدان و توپسرکان و از غرب به اسدآباد و قروه کردستان محدود می‌گردد. شهرستان بهار شامل سه شهر بهار، لالچین و صالح‌آباد می‌باشد. این شهرستان دارای ۱۲۳۸۶۹ نفر جمعیت، شش دهستان و ۷۱ آبادی است. بخش کشاورزی به دلیل منابع عظیم آب زیر زمینی، حاصلخیزی خاک و هموار بودن زمین نقش عمده‌ای دارد. در شهرستان بهار علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی، تعداد قابل توجهی نیز واحدهای صنایع تبدیلی کشاورزی مشغول به فعالیت هستند که طبق آخرین آمار، تعداد آنها ۱۵ واحد صنایع تبدیلی کشاورزی است که البته بیشتر این واحدها در زمینه محصولات زراعی فعال بوده و این تعداد واحد تبدیلی در پنج روستا مستقر هستند. جهت بررسی اثرات استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در این شهرستان پنج روستای دارای صنایع تبدیلی و پنج روستا فاقد صنایع تبدیلی به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند؛ برای انتخاب روستاهای فاقد صنایع تبدیلی از نظر اساتید ترویج و آموزش کشاورزی و کارشناسان جهاد کشاورزی (در غالب پرسش‌نامه) استفاده شد، بطوری که روستاهای فاقد صنایع، تاحد امکان به لحاظ سایر شرایط، مشابه روستاهای دارای صنایع تبدیلی باشند. متغیر امکانات رفاهی توسط ۱۴ گویه اسمی دو وجهی، متغیر کیفیت زندگی با ۱۲ گویه رتبه‌ای و متغیر اشتغال بوسیله اشتغال در واحد صنایع تبدیلی، اشتغال کشاورزی و اشتغال غیرکشاورزی سنجیده شد؛ جهت سنجش میزان درآمد، از چهار مقوله درآمد حاصل از کشاورزی و اشتغال در واحد تبدیلی، امنیت غذایی، مشارکت در پرداخت خودیاری و میزان کفاف پول جهت هزینه‌های زندگی استفاده شد؛ درآمد حاصل از کشاورزی نیز به صورت مجموع درآمد خالص حاصل از چند محصول عمده مورد کشت در روستاها خیار، سیب زمینی، گندم، جو، یونجه و چغندر قند) محاسبه شد. روش گردآوری داده‌ها، میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بود. جهت روایی پرسشنامه از کارشناسان و اساتید ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی کمک گرفته شد و برای سنجش پایایی، پس از انجام پیش‌آزمون، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن ۰/۸۹۹+ محاسبه گردید. فرضیات تحقیق مشتمل بود بر:

فرضیه اول: بین روستاهای دارای صنایع تبدیلی و فاقد صنایع تبدیلی از لحاظ وضعیت کالاهای مصرفی بادوام و امکانات رفاهی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین روستاهای دارای صنایع تبدیلی و فاقد صنایع تبدیلی از لحاظ کیفیت زندگی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین روستاهای دارای صنایع تبدیلی و فاقد صنایع تبدیلی از لحاظ درآمد، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. فرضیه چهارم: بین روستاهای دارای صنایع تبدیلی و فاقد صنایع تبدیلی از لحاظ اشتغال، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران در هر روستا مشخص شده و به روش طبقه‌ای چند مرحله‌ای و با در نظر

گرفتن نسبت خانوار در هر روستا، نظر سنجی از آنها صورت گرفت. تعداد کل خانوار هر روستا و تعداد نمونه‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- جامعه نمونه و نمونه آماری تحقیق

روستاهای فاقد صنایع تبدیلی			روستاهای دارای صنایع تبدیلی		
تعداد نمونه (نفر)	جمعیت (خانوار)	نام روستا	تعداد نمونه (نفر)	جمعیت (خانوار)	نام روستا
۲۵	۱۹۲	هارون آباد	۴۶	۴۹۱	دینار آباد
۳۲	۲۴۹	گنبدان	۵۲	۵۵۲	حسام آباد
۳۵	۲۷۳	راه هموار	۴۱	۴۳۷	گنج تپه
۴۷	۳۶۸	کوشک آباد	۲۲	۲۳۰	حسین آباد
۳۸	۲۹۹	حسن قشلاق	۱۵	۱۵۸	سلیمان آباد

در این تحقیق پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌ها، از دو روش آمار توصیفی (نظیر توزیع فراوانی، میانگین و انحراف از معیار) و آمار تحلیلی (نظیر ضرایب همبستگی و آزمون t) جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای انجام عملیات توصیف و تحلیل، نرم افزار SPSS بکارگیری شد. شکل ۱ نیز موقعیت جغرافیایی شهرستان بهار را نشان می‌دهد.



شکل ۱- نقشه جغرافیایی استان همدان - شهرستان بهار (منبع: استانداری همدان، ۱۳۹۰)

یافته های تحقیق

ویژگی های فردی

میانگین سن پاسخگویان در روستاهای فاقد صنایع تبدیلی ۴۴/۹۹ سال (با انحراف معیار ۱۴/۰۶) و بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۵۰-۴۱ سال است که ۲۶ درصد (۴۶ نفر) پاسخگویان را شامل شده است. میانگین سن در روستاهای دارای صنایع تبدیلی ۴۲/۴۴ سال (با انحراف معیار ۱۴/۴۲) بود و ۲۵/۷ درصد (۴۵ نفر) از پاسخگویان سنین بین ۴۱ تا ۵۰ سال داشتند (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس سن

سن	روستاهای فاقد صنایع تبدیلی		روستاهای دارای صنایع تبدیلی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۳۰ سال و کمتر	۳۳	۱۸/۶	۴۳	۲۴/۶
۳۱-۴۰ سال	۳۸	۲۱/۵	۴۲	۲۴/۰
۴۱-۵۰ سال	۴۶	۲۶/۰	۴۵	۲۵/۷
۵۱-۶۰ سال	۳۸	۲۱/۵	۲۲	۱۲/۶
۶۱ سال و بیشتر	۲۲	۱۲/۴	۲۳	۱۳/۱
بی پاسخ	-	-	۱	-
جمع	۱۷۷	۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰

روستاهای فاقد صنایع: میانگین: ۴۴/۹۹ انحراف معیار: ۱۴/۰۶ حداقل: ۲۰ حداکثر: ۷۹
 روستاهای دارای صنایع: میانگین: ۴۲/۴۴ انحراف معیار: ۱۴/۴۲ حداقل: ۱۹ حداکثر: ۷۸

سطح سواد اغلب پاسخگویان در هر دو گروه روستاها «ابتدایی» است؛ بطوریکه در روستاهای فاقد صنایع تبدیلی ۳۱/۰۸ درصد (۵۶ نفر) و در روستاهای دارای صنایع تبدیلی ۳۴/۱ درصد (۶۰ نفر) دارای چنین ویژگی بوده‌اند. درصد افراد بی‌سواد در روستاهای فاقد و دارای صنایع تبدیلی به ترتیب ۲۵ درصد (۴۴ نفر) و ۱۱/۴ درصد (۲۰ نفر) می‌باشد. بیشترین سطح سواد در روستاهای فاقد صنایع تبدیلی در سطح کارشناسی و در روستاهای دارای صنایع تبدیلی، کارشناسی ارشد بوده است (جدول ۳).

امکانات رفاهی

آب لوله کشی، حمام شخصی، تلفن ثابت و یخچال گزینه‌هایی هستند که صد درصد پاسخگویان در هر دو گروه روستا دارای این امکانات بودند. رایانه، کولر و مبلمان هم در هر دو گروه روستاها کمترین فراوانی را بین سایر گویه‌ها به خود اختصاص داده‌اند؛ به طوری که در روستاهای فاقد صنایع تبدیلی ۲۸/۸۱ درصد (۵۱ نفر) رایانه، ۴۵/۷۶ درصد (۸۱ نفر)

کولر و ۲۱/۴۶ درصد (۳۸ نفر) میلمان و در روستاهای دارای صنایع تبدیلی هم ۴۹/۱۳ درصد (۸۵ نفر) رایانه، ۵۷/۲۲ درصد (۹۹ نفر) کولر و ۴۷/۳۹ درصد (۸۲ نفر) میلمان داشته اند (جدول ۴).

جدول ۳- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس تحصیلات

تحصیلات	روستاهای فاقد صنایع تبدیلی		روستاهای دارای صنایع تبدیلی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بی سواد	۴۴	۲۵/۰	۲۰	۱۱/۴
خواندن و نوشتن	۱۸	۱۰/۲	۸	۴/۵
ابتدایی	۵۶	۳۱/۸	۶۰	۳۴/۱
سیکل	۴۲	۲۳/۹	۵۲	۲۹/۵
دیپلم و پیش دانشگاهی	۱۰	۵/۷	۲۷	۱۵/۳
فوق دیپلم و بالاتر	۶	۳/۴	۹	۵/۲
بی پاسخ	۱	-	-	-
جمع	۱۷۶	۱۰۰	۱۷۶	۱۰۰

جدول ۴- توزیع فراوانی امکانات رفاهی

نوع امکانات	روستاهای فاقد صنایع تبدیلی		روستاهای دارای صنایع تبدیلی	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
اب لوله کنشی	۱۷۷	۱۰۰	۱۷۳	۱۰۰
حمام شخصی	۱۷۷	۱۰۰	۱۷۳	۱۰۰
تلفن ثابت	۱۷۷	۱۰۰	۱۷۳	۱۰۰
یخچال	۱۷۷	۱۰۰	۱۷۳	۱۰۰
تلفن همراه	۱۶۱	۹۰/۹۶	۱۶۸	۹۷/۱۰
لباسشویی	۱۵۹	۸۹/۸۳	۱۷۰	۹۸/۲۶
فریزر	۱۱۷	۶۶/۱۰	۱۴۶	۸۴/۳۹
اتومبیل	۱۰۱	۵۷/۰۶	۱۰۹	۶۳/۰۰۵
رایانه	۵۱	۲۸/۸۱	۸۵	۴۹/۱۳
چرخ خیاطی	۱۳۹	۷۸/۵۳	۱۵۹	۹۱/۹۰
جاروبرقی	۱۴۷	۸۳/۰۵	۱۵۸	۹۱/۳۲
ویدئو و سی دی	۹۲	۵۱/۹۷	۱۱۵	۶۶/۴۷
کولر	۸۱	۴۵/۷۶	۹۹	۵۷/۲۲
میلمان	۳۸	۲۱/۴۶	۸۲	۴۷/۳۹

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی پاسخگویان در غالب ۱۲ گویه سنجیده شد، با بدست آوردن ضریب تغییرات مربوط به هر گویه، اقدام به اولویت‌بندی گویه‌ها شد. در روستاهای فاقد صنایع تبدیلی گزینه‌های «رضایت از روابط شخصی» و «سالم بودن محیط اطراف» به ترتیب اولویت‌های اول و دوم بوده و اولویت آخر مربوط به گزینه «امکان فعالیت تفریحی» بود. در روستاهای دارای صنایع تبدیلی نیز اولویت‌های اول، دوم و آخر، مشابه روستاهای فاقد صنایع تبدیلی بدست آمد (جدول ۵).

جدول ۵- اولویت‌بندی گویه‌های کیفیت زندگی

گویه	روستاهای فاقد صنایع تبدیلی			روستاهای دارای صنایع تبدیلی		
	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت	میانگین	انحراف معیار
رضایت از روابط شخصی	۳/۸۴۳۹	۰/۸۳۸۰۰	۰/۲۱۸	۱	۳/۹۱۸۶	۰/۸۵۴۵۰
سالم بودن محیط اطراف	۳/۹۰۲۹	۰/۹۹۲۳۵	۰/۲۵۴	۲	۴/۰۳۴۳	۰/۹۲۷۸۴
احساس امنیت در زندگی	۳/۸۰۱۱	۰/۹۹۱۵۱	۰/۳۳۱	۷	۳/۹۰۲۹	۰/۹۹۲۳۵
داشتن انرژی برای زندگی	۳/۳۹۰۸	۰/۹۷۷۸۶	۰/۲۸۸	۳	۳/۵۰۲۹	۰/۹۰۸۹۲
رضایت از توانایی برای فعالیت روزمره زندگی	۳/۴۲۰۵	۱/۰۲۲۲۸	۰/۲۹۸	۴	۳/۵۰۵۷	۰/۹۵۶۱۷
دسترسی به اطلاعات مورد نیاز روزمره	۳/۱۵۸۵	۰/۹۵۸۹۰	۰/۳۰۳	۵	۳/۰۵۲۶	۰/۸۴۸۹۷
رضایت از محل سکونت	۳/۳۶۷۲	۱/۱۸۹۷۵	۰/۳۵۳	۸	۳/۶۴۲۰	۱/۰۹۱۳۹
دسترسی به خدمات بهداشت و درمان	۳/۲۸۳۲	۱/۰۳۷۴۴	۰/۳۱۵	۶	۳/۱۵۳۴	۰/۹۷۰۵۹
لذت از زندگی	۳/۰۲۲۶	۱/۲۲۴۵۴	۰/۴۰۵	۱۰	۳/۳۶۰۰	۱/۱۰۴۶۴
کفاف پول برای رفع نیاز	۲/۳۲۳۹	۱/۱۵۲۷۴	۰/۴۹۶	۱۱	۲/۴۹۴۳	۰/۸۳۴۹۶
وجود آمدن حالاتی مثل اضطراب و دل‌گرفتگی ...	۳/۴۱۳۸	۱/۳۷۳۱۷	۰/۴۰۲	۹	۳/۶۱۱۴	۱/۲۳۵۴۴
امکان فعالیت تفریحی	۱/۸۷۰۱	۱/۰۷۶۶۴	۰/۵۷۵	۱۲	۲/۰۳۴۵	۱/۰۵۲۹۲

تحلیل داده‌ها

در این خصوص تعداد چهار فرضیه که پیش‌تر بیان شد، آزمون شده است که از این تعداد، سه فرضیه معنی‌دار شده است.

فرضیه اول: یکی از مهمترین عواملی که سطح زندگی خانواده‌ها را نشان می‌دهد استفاده از کالاهای مصرفی بادوام است. قدر مسلم الگوی استفاده از کالاهای مصرفی بادوام و تأثیرات آن می‌تواند تابع میزان درآمد و افزایش آن در یک مقطع زمانی باشد، به‌نحوی که با ایجاد درآمد جدید الگوی استفاده از این نوع کالاها نیز دچار تغییراتی اساسی خواهد شد. نتایج حاصل از داده‌های میدانی نشان داد اگرچه امکانات رفاهی و کالاهای مصرفی بادوام اعم از آب لوله‌کشی، حمام شخصی، تلفن و یخچال در هر دو گروه روستاها رواج دارد، ولی تفاوت معنی‌داری بین استفاده از کالاهای مصرفی بادوام در بین دو گروه از روستاها وجود دارد. پس از وزن‌دهی به گویه‌ها، آزمون t انجام گرفت؛ نتیجه آزمون t (sig=0.00) نشان

داد تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت امکانات رفاهی و استفاده از کالاهای مصرفی بادوام با خطای ۱ درصد معنی دار بود؛ بنابراین فرض H_1 مورد قبول واقع شده است و با اطمینان ۹۹ درصد استقرار صنایع تبدیلی در روستاها موجب بهبود وضعیت مصرف کالاهای بادوام و امکانات رفاهی شده است. به منظور راستی آزمایی نتایج بدست آمده، سوالی جداگانه در خصوص تأثیر استقرار صنایع تبدیلی بر امکانات رفاهی و مصرف کالاهای بادوام نیز از فرد پاسخگو پرسیده شده بود و برای تحلیل آن از ضریب اسپیرمن استفاده گردید که نتیجه آزمون مذکور در خصوص این فرضیه در سطح ۱ درصد ($sig=0/0$) معنی دار گردید که این یافته، تأییدی بر نتیجه آزمون می‌باشد. نتیجه بدست آمده با نتیجه تحقیقات طاهرخانی (۱۳۸۰)، مطیعی لنگرودی و نجفی کانی (۱۳۸۵)، کرمانی و همکاران (۱۳۸۷)، نصیری (۱۳۸۸) و تقدیسی و همکاران (۱۳۸۶) مشابه است.

فرضیه دوم: نتایج حاصل از داده‌های میدانی در ارتباط با مؤلفه‌های مربوط به کیفیت زندگی حاکی از آن است که بین روستاهای دارای صنایع تبدیلی کشاورزی و روستاهای فاقد این نوع صنایع، تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ پاسخگویان وضعیت محل زندگی و امکانات و وسایل رفاهی موجود در روستای خود را نتیجه توجه مسئولین امور روستایی پس از استقرار صنایع تبدیلی در روستای محل سکونت خود عنوان کرده و ابراز داشتند که پس از استقرار صنایع در روستا، وضعیت و کیفیت روستا بهبود یافته است. نتیجه آزمون t ($sig=0/036$) نشان داد تأثیر صنایع تبدیلی بر کیفیت زندگی با خطای ۵ درصد معنی‌دار بود؛ بنابراین فرض H_1 مورد قبول واقع شد. به عبارت دیگر با احتمال ۹۵ درصد اطمینان، استقرار صنایع تبدیلی در روستاهای مورد نظر موجب بهبود کیفیت زندگی روستائیان شده است. به منظور راستی‌آزمایی نتایج سنجش مقوله، سؤال جداگانه در خصوص تأثیر استقرار صنایع تبدیلی بر کیفیت زندگی، پرسیده شده بود و برای تحلیل آن از ضریب اسپیرمن استفاده گردید که نتیجه آزمون مذکور در خصوص این فرضیه در سطح ۱ درصد ($sig=002/0$) معنی‌دار گردید که این یافته، تأییدی بر نتیجه آزمون می‌باشد. تحقیقات امین آقایی (۱۳۸۷)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۹)، نصیری (۱۳۸۸)، صادقی (۱۳۸۰) و چنچ (۲۰۰۴) نتیجه این تحقیق را تأیید می‌کنند ولی کرمانی و همکاران (۱۳۸۷) به نگرش منفی به کیفیت زندگی بین روستائیان در اثر استقرار صنایع در روستا اشاره کرده اند.

فرضیه سوم: اثرات درآمد زایی که یکی از اهداف مهم استقرار صنایع در نواحی روستایی است. توسعه بخش صنعت در ابعاد مختلف، مساعدت قابل توجهی به بخش کشاورزی است و از طریق پردازش محصولات کشاورزی ممکن است به ایجاد درآمد بیشتر منجر گردد. استقرار صنایع در روستاها منجر به رونق بیشتر کشت محصولات مرتبط با صنایع شده و از طرفی نیز اشتغال غیر رسمی و سنتی به تولید محصولات مشابه صنایع تبدیلی افزایش یافته است. از طرفی نیز برخی افراد به صورت مستقیم در این واحدهای تبدیلی مشغول به فعالیت هستند که همه‌ی این‌ها منجر به بهبود وضعیت درآمد شده است. نتایج حاصل از داده‌های میدانی تحقیق در زمینه مقایسه وضعیت درآمدی بین روستاهای دارای صنایع تبدیلی و روستاهای فاقد صنایع تبدیلی بیانگر این مطلب است که تفاوت معنی‌داری در مؤلفه میزان درآمد وجود دارد. نتیجه آزمون t ($sig=002/0$) نشان داد تأثیر صنایع تبدیلی بر وضعیت درآمد در سطح ۵ درصد معنی‌دار بود و فرض H_1 مورد قبول واقع شد. به عبارت دیگر با احتمال ۹۵ درصد اطمینان وضعیت درآمد در روستاهای دارای صنایع تبدیلی کشاورزی بهتر از روستاهای فاقد صنایع تبدیلی کشاورزی است. صادقی (۱۳۸۰)، مطیعی لنگرودی و نجفی کانی (۱۳۸۵)، رضایی (۱۳۸۶)،

مشیری و آذرباد (۱۳۸۶)، کرمانی و همکاران (۱۳۸۷)، نصیری (۱۳۸۸)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۹)، رکن الدین افتخاری و طاهرخانی (۱۳۸۱)، ریزوانول (۱۹۹۴)، لانجو و همکاران (۲۰۰۱)، واتاناب و همکاران (۲۰۰۹)، هاجیلاد و همکاران (۲۰۱۰) و آوسو و همکاران (۲۰۱۱) هم در تحقیقات خود به این بحث اشاره کرده‌اند. نتایج آزمون تی برای کل فرضیات در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- صنایع تبدیلی و اثرات آن

گویه	مقدار t	مقدار df	مقدار sig
وضعیت امکانات رفاهی	-۵/۳۱۲	۳۴۸	***/۰۰۰
کیفیت زندگی	-۲/۱۰۳	۳۱۲	**۰/۰۳۶
درآمد	-۲/۳۰۰	۳۵۱	**۰/۰۲۲
اشتغال	۱/۸۵۶	۳۴۴	۰/۰۶۴

*: معنی داری در سطح ۹۵٪ **: معنی داری در سطح ۹۹٪

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه توسعه روستایی یکی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها محسوب می‌شود. این در حالی است که روستائیان از وجود برخی مشکلات مانند بیکاری، کمبود درآمد، فقر، کاهش سطح کیفی زندگی و مشکلاتی از این دست رنج می‌برند. در این زمینه به نظر می‌رسد صنعت به عنوان اصلی‌ترین ابزار در توسعه و بخصوص توسعه مناطق عقب‌مانده نقش محوری را به خود اختصاص داده و می‌تواند به حل این مشکلات کمک کند. در این مقاله با بهره‌گیری از روش‌های آماری، تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر شاخص‌های مورد نظر در روستاهای شهرستان بهار مورد سنجش واقع شده است. طبق یافته‌های تحقیق، وضعیت امکانات رفاهی در روستاهای دارای صنایع تبدیلی به صورت معنی‌داری از روستاهای فاقد صنایع تبدیلی بهتر بوده است. از آن‌جا که بهبود وضعیت امکانات رفاهی و مصرف کالاهای بادوام تابعی از بهبود وضعیت درآمد می‌باشد، پیشنهاد می‌شود حمایت لازم از این صنایع صورت گیرد، به نحوی که چنانچه امکان گسترش واحدهای صنعتی در منطقه وجود دارد، در رابطه با صنایع وابسته به کشاورزی اقدامات لازم صورت گیرد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که صنایع تبدیلی کشاورزی منجر به تفاوت معنی‌دار کیفیت زندگی در بین دو گروه روستاها شده است، به طوری که سطح کیفیت زندگی با استقرار صنایع تبدیلی بالاتر رفته است. با توجه به اینکه کیفیت زندگی بحث نسبتاً ذهنی است، به نظر می‌رسد اهالی روستا با استقرار صنایع تبدیلی در روستا و بهبود وضعیت کلی روستا، سطح کیفی زندگی خود را بالاتر و بهتر می‌بینند.

نتایج تحقیق حاکی از معنی‌دار بودن تأثیر استقرار صنایع تبدیلی بر وضعیت درآمد می‌باشد. استقرار صنایع تبدیلی در روستا تا حدودی منجر به رونق بخش کشاورزی و تولید محصولات شده و همچنین با استقرار صنایع تبدیلی در روستاها بسیاری از به صورت سنتی به سمت تولید بیشتر محصولات مشابه صنایع تبدیلی گرایش یافته‌اند که همین منجر به بهبود وضعیت درآمد شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود بسترهای مشارکت مالی روستائیان در ایجاد نواحی صنعتی روستایی و

فعالیت در آن فراهم گردد به نحوی که بتواند زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری روستائیان در این بخش باشد و یا حداقل قادر به جذب سرمایه‌های اندک روستائیان باشد.

علی‌رغم تبعیت الگوی صنعتی شدن روستایی کشور از دیدگاه اشتغال‌زایی، جذب نیروی کار ساکن در روستا از حداقل موفقیت برخوردار بوده، بطوری‌که اشتغال افراد شهری از اشتغال اهالی روستا موفق‌تر بوده است. دو دلیل اصلی نتیجه حاصل عبارتند از اینکه اکثر کارکنان این واحدها پاره وقت بوده و کارکنانی که در این واحدها مشغول به کار هستند غالباً ساکن شهر یا دیگر روستاها هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه عمده فعالیت‌های اقتصادی منطقه، کشاورزی می‌باشد صنایع تبدیلی در این منطقه، تقویت و گسترش یابد و تمهیداتی اندیشیده شود که تا حد امکان از نیروهای بومی در روستا استفاده شود. همچنین بررسی شود چنانچه امکان احداث واحد تبدیلی در روستاهای اطراف وجود دارد، اقدام مناسب صورت گیرد تا افراد مجبور به جابجایی جهت فعالیت در واحدهای تبدیلی نباشند.

در پایان نیز باید به این موضوع اشاره کرد که طبق یافته‌های تحقیق، ۸۳/۸ درصد از روستائیان از حضور صنایع تبدیلی در روستای خود ابراز رضایت کرده و از این میان، ۹۲/۳ درصد، سطح رضایت‌مندی خود را متوسط و بالاتر اعلام کرده‌اند. از طرفی نیز ۱۲/۱ درصد از روستائیان به دلیل مصرف زیاد آب روستا، عدم اشتغال زایی برای افراد بومی، ایجاد بوی بد و کاهش قیمت خرید محصولات (بعد از مدتی که واحدهای تبدیلی اقدام به خرید محصولات سایر روستاها می‌کردند) از حضور واحدهای تبدیلی در روستا ابراز نارضایتی کرده‌اند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مسئولین، کارفرمایان واحدهای صنعتی و کارشناسان امور بهداشتی ملزم به رعایت اصول و قوانین بهداشتی و زیست محیطی باشند.

منابع

- ارسلان بد، م. ۱۳۸۳. تغییرات توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲ (۴۵): ۱۴۱-۱۶۳.
- استانداری همدان. ۱۳۹۰. مطالعات برنامه آمایش استان همدان. انتشارات معاونت برنامه ریزی استانداری همدان.
- اکبری سقاکساری، ز. ۱۳۹۲. راه‌های گسترش و فعال سازی صنایع روستایی. دانش غذا و کشاورزی، ۱۱ (۱۰۴): ۲۸-۲۴.
- امین آقایی، م. ۱۳۸۷. بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱ (۴): ۱۴۶-۱۲۵.
- پاپلی یزدی، م. و ابراهیمی، م. ۱۳۹۰. نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت.
- تاج، ش. و دارآفرین، ف. ۱۳۹۰. تأثیر پذیری اقتصادی روستاها از نواحی صنعتی (مطالعه موردی: ناحیه صنعتی میامی، شهرستان شاهرود). فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۴ (۱): ۱۴۴-۱۳۵.
- تقدیسی، ا.، مهدوی، م.، رحمانی ب. و منشی زاده، ر. ۱۳۸۶. نقش صنایع کارگاهی (کوچک) در توسعه روستایی. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۴ (۳): ۵۷-۴۱.
- جهاد کشاورزی استان همدان. ۱۳۹۲. آمارنامه سازمان جهاد کشاورزی استان همدان.

حاجی نژاد، ع.، عسگری، ع.، اصغرپور، ح. و محمدزاده، پ. ۱۳۸۵. بهره‌وری صنایع روستایی در استان سیستان و بلوچستان. مجله جغرافیا و توسعه، ۸: ۴۱-۱۹.

رضایی، ج. ۱۳۸۶. امکان‌سنجی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی فرآورده‌های دامی در استان ایلام. پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۱: ۱۷۹-۱۹۱.

رضوانی، م. ۱۳۹۰. برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.

رکن‌الدین افتخاری، ع. و طاهرخانی، م. ۱۳۸۱. استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی. مدرس، ۶ (۲): ۲۴-۱. زندگی‌آبادی، ع.، فتحی، ع. و ایزدی، م. ۱۳۹۰. تحلیل پراکنش فضایی صنایع تبدیلی شهرستان‌های استان اصفهان با استفاده از روش (PIDI). آمایش سرزمین، ۳ (۴): ۲۲-۵.

صادقی، ا. ۱۳۸۰. بررسی اقتصادی صنایع روستایی استان مازندران. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ۱ (۱): ۱۰۵-۸۷. طاهرخانی، م. ۱۳۷۹. صنعتی شدن روستا سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی. انتشارات اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری. وزارت جهاد کشاورزی.

طاهرخانی، م. ۱۳۸۶. کاربرد تکنیک TOPSIS در اولویت‌بندی مکانی استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در مناطق روستایی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۶ (۳): ۷۱-۵۹.

عزیمی، آ.، میرزایی قلعه، ف. و شمسی، ر. ۱۳۹۲. چالش‌ها و مشکلات بخش کشاورزی و نقش آن در مهاجرت از روستا به شهر (مطالعه موردی: دهستان شیرز شهرستان هرسین). مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۷ (۲): ۷۰-۵۵.

عسگری، ع.، حاجی نژاد، ع.، اصغرپور، ح. و محمدزاده، پ. ۱۳۸۳. بهره‌وری صنایع روستایی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۴: ۵۸-۳۳.

کرمانی، م.، بهوران، ح. و ازکیا، م. ۱۳۸۷. بررسی تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شیوه زندگی روستائیان به واسطه استقرار صنعت در مناطق روستایی، نمونه موردی مجتمع صنعتی معدنی مس قلعه زری. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۵ (۲): ۲۱۴-۱۷۹.

کلانتری، خ.، رهنما، ع. و موحد محمدی، ح. ۱۳۸۹. عوامل پیش‌برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۸ (۷۰): ۳۷-۱۹.

مدهوشی، م. و نصیری، آ. ۱۳۸۹. تأثیر ویژگی‌های صنعت بر بقای شرکت‌های تازه‌وارد: مطالعه‌ی موردی صنایع تبدیلی استان مازندران. پژوهشنامه‌ی مدیریت اجرایی، ۱۰ (۱): ۱۴۷-۱۲۷.

مشیری، ر. و آذرباد، ن. ۱۳۸۶. پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستای کمرد در دهستان سیاهرود، شهرستان تهران. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰ (۳): ۱۹۴-۱۸۱.

مطبعی لنگرودی، ح. و اردشیری، ع. ۱۳۸۶. پیامدهای ایجاد صنایع فراوری محصولات کشاورزی در توسعه روستایی بخش مرکزی آمل. پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۱: ۱۵-۱.

- مطیعی لنگرودی، ح. و نجفی کانی، ع. ۱۳۸۵. بررسی و ارزیابی اثرات شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بابل). پژوهش‌های جغرافیایی، ۵۸: ۱۶۵-۱۴۷.
- مطیعی لنگرودی، ح. و نجفی کانی، ع. ۱۳۹۰. توسعه و صنعتی سازی روستا (نظریه ها، روش ها و راهبردهای توسعه صنعتی). انتشارات دانشگاه تهران.
- مهدوی، م، بارانی پسپان، و، مدبر خاک نژاد، ع. و یاهک، س. ۱۳۸۹. امکان سنجی توسعه صنایع روستایی در شهرستان عجب شیر با مدل SWOT. مجله توسعه روستایی، ۱ (۲): ۱۰۵-۷۹.
- نصیری، ا. ۱۳۸۸. استقرار واحدهای صنعتی، عاملی تأثیر گذار بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی (نمونه تجربی: روستاهای شهر بومهن). مجله علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، ۹ (۲): ۱۳۳-۱۰۹.
- نوری، ه. و نیلی پور طباطبایی، ش. ۱۳۸۶. اولویت بندی توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی با استفاده از روش دلفی شهرستان فلاورجان - استان اصفهان. پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۱: ۱۷۷-۱۶۱.
- هیویت، ت، جانسون، ه. و ویلد، د. ۱۳۷۷. صنعتی شدن و توسعه. ترجمه طاهره قادری. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- Chang, W.u.M. 2004. Republic of China, In alastair hicks. *Rural-Based Food Processing Industry in Asia*. Published by the Asian Productivity Organization. Bangkok, Thailand: 46-52.
- FAO. 2011. The agroprocessing industry and economic development. Available at www.fao.org/docrep/w5800e/w5800e12.htm (Last access: 26 November 2013)
- Fatah, L. 2007. The Potentials of Agro-Industry for Growth Promotion and Equality Improvement in Indonesia. *Asian Journal of Agriculture and Development*, 4 (1): 57-74.
- Haggblade, S., Hazell, P. and Reardon, T. 2010. The Rural Non-farm Economy: Prospects for Growth and Poverty Reduction. *World Development*, 38 (10): 1429-1441.
- Kachru, R.P. 2011. Agro-Processing Industries in India—Growth. Status and Prospects, Available at <http://agricoop.nic.in/Farm%20Mech.%20PDF/05024-06.pdf> (Last access: 8 July 2013)
- Lanjouw, J.O. and Lanjouw, P. 2001. The rural non-farm sector: issues and evidence from developing countries. *Agricultural Economics*, 26: 1-23.
- Li, H. and Rozelle, S. 2000. Saving or stripping rural industry: an analysis of privatization and efficiency in China. *Agricultural Economics*, 23: 241-252.
- Mehta, G.S. 2012. *Agro-Processing Industry in Uttar Pradesh*. Planning Commission Government of India. New Delhi.
- Namoodiri, N.V. and Gandhi. V.P. 2003. Growth, Structure and Prospects of Agro-Processing Industries in India: Is there Improvement since the Economic Reforms?. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 58 (3): 622.
- Natural Resources Institute University of Greenwich. 2001. Rural non-farm activities and poverty alleviation in sub-saharan Africa. Available at

<http://www.nri.org/publications/policyseries/PolicySeriesNo14.pdf> (Last access: 12 April 2008)

- Owusu, V., Abdulai, A. and Abdul-Rahman, S. 2011. Non-farm work and food security among farm households in Northern Ghana. *Food Policy*, 36: 108–118.
- Redzuan, M. and Aref, F. 2009. Path-analysis Model of the Development of Handicraft (Batik) Industries in Kelantan, Malaysia. *Journal of American Science*, 5 (8): 31-38.
- Rizwanul, I. 1994. Rural Industrialization: An Engine of Prosperity in Postform Rural China. *World Development*, 22 (11): 1643-1662.
- Sharma, K.D., Pathania, M.S. and Lal, H. 2010. Value Chain Analysis and Financial Viability of Agro-Processing Industries in Himachal Pradesh. *Agricultural Economics Research Review*, 23: 515-522.
- Srivastava, U.K. 1989. Agro-Processing Industries: Potential, Constraints and Task Ahead. Research Division of the Federal Reserve Bank of St. Louis.
- Suhag, K.S., Goyal, S.K., Kundu, K.K. and Bansal, V. 2003. Agro-Processing Industries in Haryana: Growth in Output, Employment and Capital. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 58 (3): 613-614.
- Watanabe, M., Jinji, N. and Kurihara, M. 2009. Is the development of the agro-processing industry pro-poor?: The case of Thailand. *Journal of Asian Economics*, 20: 443–455.

Study of Agro Processing Industries Effects on Life Conditions (Case Study of the Bahar County)

Karim Naderi Mahdei^{1*}, Hamid Mahmoudian², Heshmatolah Saadi³

Accepted: 15 June, 2014

Received: 4 February, 2015

Abstract

Several studies have showed the positive effects of locating industries in rural area to improve the socio-economic status and it is considered as a reason for rural and national development. The purpose of this study was to analyze study of agroprocessing industries effects on the status of life in the rural area in Bahar County. The research type was the applied descriptive. The target population consisted of households that live in the rural area of Bahar County. For the study of agroprocessing industries effects, ten villages (five villages that have agroprocessing units, and five villages that do not have agroprocessing units) were selected as the society of samples. The used sampling method was Multi-stage cluster sampling technique to consider household ratio in the villages and the number of samples was calculated by using the Cochran formula ($N=3249$, $n=353$). The research instruments were questionnaires whose validity was confirmed by a panel of faculty members. Reliability was measured by Cronbachs' alpha ($\alpha=0.899$) and showed that the reliability of the questionnaire was acceptable. The results suggest that the agricultural industries in rural areas have a positive impact on the welfare facilities. The research findings showed that the agroprocessing industry led to significant differences in the quality of life between the two groups of villages, so that quality of life of the villages with agroprocessing industries was higher the others. The results showed that the establishment of industries in rural areas leads to agriculture boom and similar products by villagers causes their income to improve.

Keywords: Rural industrialization, Processing industries, Income, Living conditions

¹ - Assistant Professors, Department of Agricultural Extension & Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

² - Master of science in rural development, Department of Agricultural Extension & Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

³ - Associate Professor, Department of Agricultural Extension & Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

(* - Corresponding author email: knaderima@gmail.com)